



سیاست – قسمت نهم: معاشرت با مردم

در مطلب قبل عرض کردم که خداوند انسان را مدنی الطبع آفریده و در امر دین و دنیای خود محتاجیم به معاشرت با مردم، پس باید اصناف خلق را شناخته و سیاست هایی که منجر به موفقیت در این امر است، دانسته باشیم.

بطور کلی، تمامی مردم نسبت به ما بر سه دسته اند:

یک- اخوان ثقه، که حقوق و چگونگی معامله با ایشان در سلسله مطالب حقوق اخوان گذشت، و در یک جمله میتوان گفت که معاشرت با ایشان باید چنان باشد که دوست داریم ایشان با ما عمل کنند.

دو- اخوان مکاشره، که حد معاشرت با ایشان متقابل بوده و به اندازه ای است که ایشان با ما عمل نمایند، و همچنین اعمال سیاست هایی لازم است که در این مطلب خواهیم گفت.

سه- اعدای و دشمنانی هستند که باید با عمل نمودن به تقیه، خود و سایر برادران را از شر ایشان حفظ کرد، و در این مورد نیز مطلب دیگری خواهم نوشت.

اما بعضی از سیاست هایی که در قبال با عموم مردم لازم الاجراست از قرار زیر است:

1- خوش رفتار باشیم

و آن نشان از ایمان و عقل آدمی است و اعظم سیاست هایی است که میتوان در مقابل مردم داشت، چنانکه فرموده اند **أَكْمَلُ النَّاسِ عَقْلًا أَحْسَنُهُمْ خُلُقًا**، یعنی عاقل ترین مردم خوش خلق ترین آنهاست و

دانستیم که سیاست عمل عقل است، و از این جهت خداوند پیرامون حضرت نبی اکرم صلی الله علیه و آله که عقل مطلقند میفرماید: **إِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ** و خود میفرماید که **إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ**.

پس چه خوب است که با متصف شدن به صفت پیامبرمان، تألیف قلوب نماییم که به این واسطه جلب خیر بسیار و دفع شر اشرار خواهد شد.

مرحوم آقای حاج محمد کریم خان کرمانی اعلی الله مقامه، در وصیت خود میفرماید:

چنان با مردم معاشرت کن که چون تو را بدان گونه بر حسن سیرت ببینند، گویند خدا رحمت کند فلان را که چه خوب طائفه خود را تربیت کرده است.

2- حد و شأن هر شخص را رعایت کنیم

در معاشرت با مردم باید حد و شأن هر شخص را از لحاظ سن و سال و جایگاه علمی اجتماعی در نظر گرفت و به مقتضای آن رفتار نمود، چنانکه مرحوم کرمانی اعلی الله مقامه، در رساله چهار فصل میفرماید:

هر کس را که خدا به قدری عزت داده شما همان قدر عزت را از برای او بخواهید و به مقتضای آن با او راه روید و معاشرت و مکالمت و مجالست و مصاحبت و معاملات با خلق را نیکو نمایید، و هر کس از شما معرفتش به خدا بیشتر است باید سلوکش با مردم بهتر باشد، هر کس بزرگتر از شماست در سن یا در عزت او را اکرام کنید و هر کس کوچکتر از شماست در سن یا در عزت با او به رحمت و مدارا راه روید.

3- جواب بدی را با بدی ندهیم

عمل و رفتار بد در هر صورت بد است، چه ابتدا به ساکن انجام شود یا به جهت انتقام و مقابله به مثل.

مرحوم آقای کرمانی اعلی الله مقامه میفرماید:

اگر مردم سلوک خود را با شما بر خلاف رضای خدا نمایند شما خلاف رضای خدا ننمایید، و در سلوک بد حسد نبرید، هر کس بد می کند بگذارید او بد کرده باشد و شما حسد بر بدی نبرید و بد ننمایید و عصبیت و حمیت جاهلیت را کنار گذارید...

4- به دیگران امر نکنیم

در صورتی که نیازمند کسی کاری برایمان انجام دهد، مخصوصاً وقتی که آن کار مخالف میل او است، نباید او را فرمان داده و امر نماییم، چرا که اگر انجام دهد به رضایت نبوده و بر ما منت دارد، و اگر انجام ندهد یا نزد ما شرمسار میگردد و یا بر ما عاصی شده و موجب کراهت فی ما بین میشود.

مرحوم کرمانی اعلی الله مقامه در وصیت خود میفرماید:

هیچگاه در حوائج خود به کسی حکم مکن و فرمان مده، که اگر فرمان پذیری بر تو منت گذارد و اگر نپذیرد تو را خوش نیاید و رنجیده شوی، بلکه در احتیاجات خود اشاره بکن که اگر پذیرفت و انجام داد منتهی بر تو نداشته باشد و خود به اختیار عمل نموده و اگر نپذیرفت مر او را عذری باشد که تو حتم نکرده ای و تو را رنجشی پدید نیاید و خود عذرخواهی از او به اینکه اگر بر او حتم کرده بودم انجام میداد.

5- راستگو باشیم، امین باشیم و وفای به عهد کنیم

این سه خصلت، موجب برکت دنیا و خیر در آخرت است و از جمله خصالی میباشد که نزد مؤمن و کافر نیکو شمرده شده، بلکه امروزه کفار بیش از مسلمانان عامل به آن هستند و به همین جهت است که برکات دنیایی ایشان بیشتر از بلاد ماست.

6- شکایت به حکام نبریم

شکایت کردن از مردم نزد حاکم یا باصطلاح قوه قضائیه امروزی، ضرر به دین و دنیای آدمی میزند و تا جایی که ممکن است باید از قدم گذاشتن در دادگاه ها اجتناب کنیم.

اضرار دنیایی آن به وقت و اعصاب، برای هر کسی که تجربه اش را داشته باشد مشخص است، و در مورد اضرار آن به آخرت مرحوم کرمانی اعلی الله مقامه میفرماید:

نصیحت می کنم شما را نصیحت ناصح مشفق که اگر بدی از مردم به شما رسد بر خود هموار کنید و به حکام و سلاطین عرض ننمایید، چرا که انتقام ایشان شدید است و شاید زیاده از حد آن اذیت که به شما شده اذیت کننده را انتقام کنند و سبب آن زیادتی شما شوید، و اگر آنها عرض کنند و شما را در معرض انتقام درآورند اگر به زبان خوش بتوانید عرض حال خود بنمایید، بنمایید و الا صبر کنید که مزید اجر شما خواهد بود.

بنابراین برای پیشگیری از این امر، باید در سایر امور با سیاست و احتیاط عمل نمود، بخصوص در معاملات اولاً با سفله و کسی که حال او مشخص است معامله ای نکنیم و ثانیاً تمامی جوانب را محکم و مضبوط کنیم و شاهد بگیریم تا در آخر سبب نزاع و اختلاف نشود.

7- به افکار و اعتقاد دیگران کاری نداشته باشیم

در بین مردم جمعی از کفارند که حتی المقدور نباید با ایشان معاشرت کنیم، و در بین مسلمین، با اهل تسنن از ایشان به حکم اخوان مکاشره معاشرت نماییم و به مقداری که اموراتمان در گرو هم است احتیاجات یکدیگر را رفع کنیم و حتی الامکان داخل مباحث عقیدتی نشده و در صورت وقوع، با رعایت تقیه احترام بزرگان ایشان را نگاه داریم.

و اما در شیعیان، از برخی که نصب و عداوتی با علمای شیعه و پیروان ایشان دارند، در معاشرت عادی هم باید اجتناب نمود چه برسد به اینکه بخواهیم در مقام بحث و جدل برآییم که این عمل از بزرگترین گناهان است، چرا که در هر گونه بی احترامی ایشان نسبت به بزرگان دین، شریک شده ایم.

و اما به سایر شیعیان که صرفاً اقتدای به علمای ما نکرده اند، نباید متعرض عقاید ایشان شد چنانکه مرحوم کرمانی اعلی الله مقامه میفرماید:

اگر بعضی مردم تقلید آن عالمی را که شما اعتقاد دارید نکنند یا با امامی که شما اعتقاد دارید نماز نکنند، زبان طعن بر ایشان نگشایید، چرا که این دو متعلق به اعتقاد هر کسی است، هر کس، هر کس را عادل می داند با او نماز می کند و هر کس، هر کس را عالم می داند تقلید اومی کند، شاید آنها با عالم شما معاشرت نکرده اند و عدالت او یا علم او بر آنها ظاهر نشده پس از این جهت شرعاً نمی توانند با او نماز کنند و تقلید او نمایند چه کنند بیچاره ها، یا آنکه کسی علم و عدالت عالم شما را می داند و مع ذلک می خواهد تقلید عالمی دیگر نماید یا با عادل دیگری نماز نماید، و در شریعت واجب نیست که همه مردم به یک نفر اقتدا نمایند یا از یک نفر اخذ دین نمایند. و همچنین اگر به درس عالم شما نیابند چه بحثی است، در شریعت واجب نیست که همه در نزد یک استاد درس بخوانند.

پس حمیت و عصبیت را اگر مؤمنید کنار گذارید و دین خود را به لهو و لعب و لجاج و عناد قرار ندهید. و مکرر این عرض ها را به شما کرده ام و باز هم می کنم، و اگر می خواهید از اینها تخلف کنید خود را نسبت به مشایخ ما ندهید و ننگ اعمال و سلوک خود را بر ایشان ننهید، چرا که زمانه چنین شده است که بد سایر مردم را از چشم علمایشان نمی دانند و بد شما را از چشم علمایتان می دانند، پس خدا را ملاحظه کنید و علمای خود را رسوا نکنید، و بدانید که چون بد از شما توقع نیست بد شما بسیار نمایان است و بد سایر مردم بسیار پنهان.

و بدتر از اینکه متعرض عقیده دیگری شویم این است که قدح در علمای ایشان کرده و خدایی ناکرده نسبت به علمای شیعه بی احترامی نماییم، چنانکه مرحوم کرمانی اعلی الله مقامه میفرماید:

مذکور می شود که جمعی از شما به علمای دین و راویان اخبار ائمه طاهرین استخفاف می کنید - من خود از شما نشنیده ام و لکن مردم می گویند - آگاه باشید و خدا و رسول و ائمه علیهم السلام و ملائکه را شاهد می گیرم که اگر یکی از شما استخفاف به ایشان کرده باشد پیش از این، یا بکند بعد از این از او در دو دنیا بیزارم و مشایخ شما از او بیزارند و ائمه و رسول صلی الله علیهم و خدای عزوجل از او

بیزارند، چرا که قدح در علما و راویان اخبار قدح در ائمه است علیهم السلام و قدح در ائمه قدح در پیغمبر است و قدح در پیغمبر قدح در خداست.

و بهتر از هر چیز آن است که کلاً باب بحث دینی و عقیدتی را با مردم ببندیم و صرفاً به مکالمات دنیایی یا مشترکات دینی بسنده کنیم، چنانکه مرحوم کرمانی اعلی الله مقامه میفرماید:

به کلی ترک مباحثه علمی با مردم کنید و تحقیق مسأله در نزد هر کسی ننمایید، چرا که هر سخن اهلی و هر نکته مکانی دارد، و شما تمام علم را فرانگرفته اید و مواضع سخن را نمی دانید، اگر حق بگویید ناقص می گوئید و اگر باطل بگویید افترا بر خدا بسته اید، و هر چه شما می گوئید، مردم آن را قول مشایخ شما می دانند و قول یک نفر شما را نسبت به کل شما می دهند و می گویند شیخیه به این دین متدینند، و حال آنکه یکی از شما بسا باشد که از روی جهالت سخن گفته و علما و سایر برادران شما از آن قول بیزارند. پس به کلی باب سخن با مردم را ببندید و مشایخ خود را متهم و رسوا نکنید.

8- مدارا را فراموش نکنیم

سنت خداوند در تمامی امور عالم، اکمال با مداراست و حکمت او چنین جاری شده که امور به تدریج و به حسب قابلیت ها پیش برود، مانند فصول سال که چنین قرار داده، تا در بهار آفتاب سوزان نتابد و ابر ها مانع تابش مستقیم آفتاب بر جوانه های گیاهان باشد و تا تابستان بمرور از رطوبت ها کاسته و بر حرارت می افزاید تا گیاه به تدریج قوت گرفته و توان تحمل آفتاب مستقیم را داشته باشد و اگر از همان ابتدا آفتاب سوزان را بر ایشان میتابانید، همه می خشکیدند و ثمری پدید نمی آمد.

و چنین نمودند پیامبران و خاتم ایشان حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله با امت خود، چنانکه مفصلاً در مطلب [تطبیق عالم صغیر با عالم کبیر](#) عرض شد.

به هر حال غرض این بوده که مدارا، سنت خداوند و انبیاء بوده و بالتبع مؤمنین نیز به این شیوه امر شده اند، چنانکه رسول اکرم صلی الله علیه و آله میفرماید **رَأْسُ الْعَقْلِ بَعْدَ الْإِيمَانِ بِاللَّهِ مُدَارَاةُ النَّاسِ وَ مِيفْرَمَايْنِدُ مُدَارَاةُ النَّاسِ نِصْفُ الْإِيمَانِ وَ الرَّفْقُ بِهِمْ نِصْفُ الْعَيْشِ**

پس مؤمن در همه چیز باید مدارا داشته باشد حتی با نفس خودش که فرموده اند نفس خود را کم کم بعبادت عادت دهد که منضجر نشود و انس بگیرد و همچنین با همه مردم باید مدارا نمود، مؤمن باشند یا کافر، و در حدیث است که **صَانِعِ الْمُنَافِقِ بِلِسَانِكَ وَ أَخْلَصِ وُدَّكَ لِلْمُؤْمِنِ وَ إِنْ جَالَسَكَ يَهُودِيٌّ فَأَحْسِنْ مُجَالَسَتَهُ.**

و این امر از آن جهت است که جز ائمه معصومین علیهم السلام، تمامی مردم از نور و ظلمت و به عبارتی از عقل و نفس آفریده شده اند، و چون دارای این دو هستند نمیشود که ایشان را دفعه بر یک جهت واداشت.

پس بایست که با ایشان مدارا کرده و با هر کس به قدر ایمان و فهم و ظرفیت او صحبت کرد، و شیوه اش این است که در تمامی امور شرعی، اخلاقی و اعتقادی، ابتدا اندکی از امور آسان تر را بر ایشان عرضه نمود، اگر همان را تصدیق نموده و عامل شدند باید بیشتر گفت و اگر همان را انکار کردند باید لب فروبست.